

جزوه شماره ۵ سیاسی

اخلاق سیاسی

برگزیده بیانات امام خامنه ای مدظله العالی



فضای اهانت و هتک حرمت در جامعه، یکی از آن چیزهایی است که اسلام مانع از آن است؛ نباید این اتفاق بیفتد. فضای هتک حرمت، هم خلاف شرع است، هم خلاف اخلاق است، هم خلاف عقل سیاسی است. انتقاد، مخالفت، بیان عقاید، با جرأت، هیچ اشکالی ندارد؛ اما دور از هتک حرمتها و اهانتها و فحاشی و دشنام و این چیزها. همه هم در این زمینه مسئولند. این کار علاوه بر اینکه فضا را آشفته میکند و اعصاب آرام جامعه را به هم میریزد - که امروز احتیاج به این آرامش هست - خدای متعال را هم از ما خشمگین میکند. من میخواهم این پیامی باشد به همه‌ی آن کسانی که یا حرف میزنند، یا مینویسند؛ چه در مطبوعات، چه در وبلاگها. همه‌ی اینها بدانند، کاری که میکنند، کار درستی نیست. مخالفت کردن، استدلال کردن، یک فکر سیاسی غلط یا یک فکر دینی غلط را محکوم کردن، یک حرف است، مبتلا شدن به این امر خلاف اخلاق و خلاف شرع و خلاف عقل سیاسی، یک حرف دیگر است؛ ما این دومی را به طور کامل و قاطع نفی میکنیم؛ نباید این کار انجام بگیرد. متأسفانه بعضی این کار را میکنند. من بخصوص به جوانها توصیه میکنم. بعضی از این جوانها بلاشک مردمان بااخلاص و مؤمن و خوبی هم هستند، اما خیال میکنند این وظیفه است؛ نه، من عرض میکنم این خلاف وظیفه است، عکس این وظیفه است.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۸۸/۶/۲۰

سلوک سیاسی امیرالمؤمنین از سلوک معنوی و اخلاقی او جدا نیست؛ سیاست امیرالمؤمنین هم، آمیخته‌ی با معنویت است، آمیخته‌ی با اخلاق است، اصلاً منشأ گرفته‌ی از معنویت علی و اخلاق اوست. سیاست اگر از اخلاق سرچشمه بگیرد، از معنویت سیراب بشود، برای مردمی که مواجه با آن سیاستند، وسیله‌ی کمال است، راه بهشت است؛ اما اگر سیاست از اخلاق جدا شد، از معنویت جدا شد، آن وقت سیاست‌ورزی میشود؛ یک وسیله‌ای برای کسب قدرت، به هر قیمت؛ برای کسب ثروت، برای پیش بردن کار خود در دنیا. این سیاست میشود آفت؛ برای خود سیاست‌ورز هم آفت است، برای مردمی هم که در عرصه‌ی زندگی آنها این سیاست ورزیده میشود هم آفت است.

امیرالمؤمنین این حکومتی را که در آن سه جنگ مفصل نظامی با هزارها کشته اتفاق افتاد - شما در نهج البلاغه نگاه کنید - با تعبیراتی معرفی میکند که نشاندهنده‌ی تحقیر او نسبت به این حکومت است. یک وقت او را - در خطاب به ابن عباس - از بند کفش کهنه‌ی وصله‌زده‌ی خود بی‌ارزستر معرفی میکند. یکجا درباره‌ی همین حکومت میفرماید: «لألفیتم دنیاکم هذه ازهد عندی من عطفة عنز»؛ آن رطوبتی که از عطسه‌ی یک بزغاله حاصل میشود چقدر ارزش رطوبتی و حیاتی دارد؟ هیچ. میفرماید: این حکومت، این قدرت، نشستن بر این اریکه برای علی، از این کمتر و کم‌اهمیت‌تر است. یک جا در همان خطبه برای اینکه چرا این حکومت را قبول کرد، استدلال میکند: «لو لا حضور الحاضر و قیام الحجّة بوجود الناصر»؛ دیدم مردم آمدند، اصرار میکنند، نصرت خودشان را عرضه میکنند، قبول کردم. باز در مقام استدلال: «و ما اخذ الله علی العلماء ان لا یقاروا علی کظة ظالم و لا سغب مظلوم»؛ میفرماید: خدای متعال بر عالمان، بر دانایان عالم، تکلیف معین کرده است که بر سیری ظالم و تهیدستی و گرسنگی مظلوم صبر نکنند، تحمل نکنند. اینهاست چیزهایی که امیرالمؤمنین را به سمت حکومت میکشاند، یا در مقابل کسانی که علیه او بغی میکنند، به مقاومت، به ایستادگی، به حتی جنگ نظامی میکشاند؛ و الا حکومت برای امیرالمؤمنین ارزشی ندارد.

در این سیاست‌ورزی، امیرالمؤمنین یکی از خصوصیاتش این است: از مکر و فریب دور است. در یک جمله‌ای از حضرت نقل شده که: «لو لا التقی لکنت ادهی العرب»؛ اگر تقوا دست و پای مرا نمی‌بست، از همه‌ی آحاد و مکاران عرب، مکر و حيله را بهتر بلد بودم. یک جای دیگر در مقام مقایسه‌ی معاویه با خودش - چون معاویه به دهاء و مکر در حکومت معروف بود - به حسب آنچه که نقل شده، فرمود: «والله ما معاویه بأدهی منی»؛ معاویه از من زرنگتر نیست. منتها علی چه کند؟ وقتی بنای بر رعایت تقوا و رعایت اخلاق دارد، دست و زبانش بسته است. روش امیرالمؤمنین این است. تقوا که نبود، دست و زبان انسان باز است، میتواند همه چیز بگوید، خلاف واقع میتواند بگوید، تهمت میتواند بزند، دروغ به مردم میتواند بگوید، نقض تعهدات میتواند بکند، دلبستگی به دشمنان صراط مستقیم میتواند پیدا کند. وقتی تقوا نبود، اینجوری است. امیرالمؤمنین میفرماید: من سیاست را با تقوا انتخاب کردم، با تقوا اختیار کردم؛ این است که در روش امیرالمؤمنین، مکاری و حيله‌گری و کارهای کثیف و این چیزها وجود ندارد؛ پاکیزه است.

یکی از خطرهای جدائی دین از سیاست که عده‌ای آن را همیشه در دنیای اسلام ترویج میکردند - در کشور ما هم بود، امروز هم متأسفانه بعضی نغمه‌هایی را در جدائی دین از سیاست بلند میکنند - همین است که وقتی سیاست از دین جدا شد، از اخلاق جدا خواهد شد، از معنویت جدا خواهد شد. در نظامهای سکولار و بی‌رابطه‌ی با دین، اخلاق در اغلب نزدیک به همه‌ی موارد، از بین رفته است. حالا یک وقت استثنائاً در جایی یک عمل اخلاقی دیده بشود، این ممکن است؛ استثناء است. وقتی دین از سیاست جدا شد، سیاست میشود غیر اخلاقی، مبنی بر همه‌ی محاسبات مادی و نفع‌طلبانه. سلوک سیاسی امیرالمؤمنین بر پایه‌ی معنویت است و از سلوک معنوی او جدا نیست.

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۷۶/۱۰/۳

اشتباه کسانی که در گذشته مسائل سیاسی را از تبلیغ کنار می‌گذاشتند، در این بود که عبودیت را به منطقه فردی منحصر می‌کردند. آنها این‌جا را غلط می‌فهمیدند و غلط عمل می‌کردند. بله؛ هدف، کشاندن مردم به عبودیت است؛ منتها عبودیت منطقه وسیعی در زندگی انسان دارد و آن منطقه به عمل شخصی منحصر نیست. وقتی که عمل جامعه، عمل یک مجموعه عظیم انسانی و مردم یک کشور، عمل اقتصادی، عمل سیاسی و موضعگیریهای سیاسی مشمول بحث عبودیت شد، آن وقت دعوت شما هم می‌تواند شامل این مسائل باشد و باید هم باشد؛ چاره‌ای ندارد.

باید درس اخلاق بگویید، درس اخلاق سیاسی هم بگویید، درس اخلاق و معنویت هم بگویید، تحلیل سیاسی هم بدهید، دشمن درونی را هم - که نفس اماره یا شیطان رجیم است - معرفی کنید، دشمن اجتماعی را هم - که شیطان بزرگ یا شیطانهای گوناگونند - معرفی کنید، ایادی و اذنان شیطان را هم معرفی کنید.

بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های ایثارگران ۷۶/۲/۳۱

مگر ممکن است در انتخابات جمهوری اسلامی، کسی به خود حق بدهد یا جرأت بدهد که در آراء مردم دستکاری کند؟ اولاً شورای محترم نگهبان، یک مجموعه‌ی عادل و مواظب و ناظر بر انتخاباتند و هیچ

راهی را برای تقلب باقی نمی‌گذارند. ثانیاً وزیر محترم کشور پیش من آمد و گفت شما مطمئن باشید که ما نمی‌گذاریم یک جابه‌جا شود. این‌ها مسلمان و انقلابی و متدین و مورد اعتمادند و از مجلس شورای اسلامی رأی اعتماد گرفته‌اند. برفرض در گوشه‌ای یک تخلف کوچک هم انجام گیرد. این در نتیجه‌ی انتخابات هیچ تأثیری نخواهد داشت. خود من هم مواظبم و اجازه نخواهم داد که کسی به خود حق بدهد، تقلب در انتخابات را که یک عمل هم خلاف شرع و هم خلاف اخلاق سیاسی و اجتماعی است، انجام دهد. چنین کاری هرگز نخواهد شد. بعضی خیال کرده‌اند که حالا چه اتفاق می‌افتد. من بخصوص از رئیس‌جمهور محترم استفسار کردم و گفتم شاید ایشان خبری دارند؛ اما ایشان گفتند که نه؛ من در همه‌ی انتخاباتها، به مسئولان و دست‌اندرکاران سفارش می‌کنم که تخلف نکنند. مسأله‌ی خاصی وجود ندارد. عده‌ای جنجال کردند و رادیوهای بیگانه هم های‌وهوی راه انداختند. نخیر؛ انتخابات این شاء الله با اتقان کامل انجام خواهد گرفت. هم مسئولانی که هستند، مورد اطمینانند، هم خود من نخواهم گذاشت که مسأله‌ی انتخابات، خدای نکرده اندکی مخدوش شود.

پیام به مناسبت آغاز به کار پنجمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی ۷۵/۳/۱۱

مجالس کشورهای غربی همچنانکه از لحاظ اخلاق سیاسی، صلاحیت آن را ندارند که الگو قرار گیرند، از لحاظ ترکیب سیاسی نیز لزومی ندارد که در کشور بزرگی چون ایران که از لحاظ اخلاق و سیاست و ارزشهای متعالی، از منبع فرهنگی سرشاری برخوردار است، مورد تبعیت و تقلید واقع شوند. تعبیرهای چپ و راست یا اصرار بر وجود احزاب سیاسی در مجلس قانونگذاری و مانند اینها، سوغاتهای بی‌ارزشی است که شأن مجلس شورای اسلامی بالاتر از پذیرش کورکورانه‌ی آنها است.

بیانات در دیدار جمع کثیری از دانشگاهیان و طلاب ۶۸/۹/۲۹

دانشگاه - که خشت اولش از حوزه‌ی علمیه و دین جدا نهاده شده بود- در مشمت کسانی افتاد که نه از دین و نه از اخلاق اسلامی و نه از اخلاق سیاسی و نه از احساس وجدان یک شهروند نسبت به کشور و ملتشان بهره‌ی نداشتند. در طول هفتاد سال اخیر، به جز عده‌ی معدودی از قبیل امیرکبیر و بعدها هم چند نفری

که بسیار محدود بودند، بیشتر کسانی که زمام امور تحصیلات عالیه در این کشور به دست آنها بوده است و مسائل آموزش عالی به اراده و تدبیر آنها ارتباط پیدا می کرده، بقیه کسانی بوده اند که منافع ملت ایران در مقابل منافع بیگانگان، برای آنها از هیچ رجحانی برخوردار نبود و بیشتر به فکر چیزهای دیگری بودند تا آینده‌ی این ملت و این کشور!